

فرستی برای شناخت جهان ایرانی

مروری بر لطیفه‌های توافق هسته‌ای

نوح منوری

منتشر شده در کتاب

«جستارهایی در ایران پساتوافق»، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، مرداد ۱۳۹۴

جوک، لطیفه، شوخی یا هر چه اسمش را بگذاریم سال‌هاست که جزئی جدایی‌ناپذیر از زندگی ما شده است. اگر زمانی نه چندان دور، جوک گفتن منحصر به جمع‌های دوستانه و خانوادگی بود، با گسترش فناوری‌های ارتباطی چه از طریق پیامک و چه در فضای مجازی و ابزارهای پیام‌رسان مثل وایبر و تلگرام، جریان جوک‌ها نیز شدت بیشتری پیدا کرده است. حالا هر کس حتی در تنهایی خود و البته در شبکه‌ای از ارتباطات مجازی، خواسته یا ناخواسته در معرض این پیام‌ها قرار می‌گیرد و می‌تواند نقشی در انتقال آنها ایفاء کند. غیر از این جریان عادی جوک‌ها، دیگر عادت کرده‌ایم در پس هر مناسبتی - از رویدادهای ورزشی گرفته یا اتفاق‌های سیاسی، از اظهارنظر مقامات گرفته تا وقایع اجتماعی - با انفجاری از واکنش‌های طنزآمیز، جوک‌ها و لطیفه‌های موضوعی و مرتبط با آن مناسبت خاص روبرو شویم. حتی اگر همه این‌ها به خاطر روحیه بذله‌گویی ایرانی‌ها باشد (که خود نیاز به تبیین دارد) اما همچنان سؤال از محتوای این پیام‌ها می‌تواند سؤالی معتبر باشد. محتوای این پیام‌ها چه چیزی از جهان ایرانی‌ها به ما می‌گوید؟

اگر بخواهیم با یک تبیین رایج از این نوع شوخی‌ها شروع کنیم، باید آن را نتیجه «ناتوانی» در برخورد با موضوعات مختلف دانست. برخی از مصادیق این نوع تبیین را می‌توان به این شکل بیان کرد: وقتی از تغییر یک مقام مسئول ناتوان هستیم، چاره‌ای نداریم جز اینکه او را مورد هجوم جوک‌هایمان قرار دهیم؛ وقتی از برقراری ارتباط مناسب با جنس مخالف ناتوان هستیم، همه عقده‌هایمان را در جوک‌هایمان بیان می‌کنیم؛ وقتی از پیدا کردن جایگاه مناسب خود در سطح جهان ناتوان هستیم، جوک‌هایمان را ابزاری برای حمله قرار می‌دهیم؛ وقتی مورد هجوم یک‌جانبه یک عقیده یا تفکر قرار می‌گیریم، انتقام خودمان را با جوک‌هایمان می‌گیریم و غیره. اما با وجود این تبیین، باید کارکرد این جوک‌ها در «تغییر» یا «تثبیت» مرزهای اخلاقی و باورهای اجتماعی را بپذیریم. برای مثال جوک‌های سیاسی یا جنسیتی اگرچه از یک زاویه به معنای تخطی از هنجارهای پذیرفته شده است اما از سوی دیگر عملاً به تثبیت جایگاه قدرتمند سیاستمداران یا بازتولید کلیشه‌های جنسیتی نیز منجر می‌شود.

بنابراین اگر به سؤال ابتدایی برگردیم، می‌توان گفت که در اینجا با مکانیسمی فرویدی^۱ روبرویم و مطابق آن، شوخی‌ها و جوک‌ها راهی است برای شناخت ناخودآگاه، و ناخودآگاه نیز قلمرو آرزوها و فانتزی‌های واپس‌زده است. همچنین مطابق استدلال

¹ Sigmund Freud

فروید، جوک‌ها به محتویات ضمیر ناخودآگاه که از حیث اجتماعی و شخصی غیر قابل قبول هستند مجال بروز می‌دهد. با تعمیم استدلال فروید در سطح جامعه، می‌توان جوک‌ها را تظاهری از ناخودآگاه جمعی دانست، وسیله‌ای که از طریق آن احساسات، افکار، ترس‌ها، عقاید جمعی بیان می‌شود. ژیزک^۱ جوک‌ها را باعث نشان دادن قیود مناسبات تاریخی می‌داند که به سختی توسط ابزارهای دیگر قابل نمایان کردن است. پس می‌توانیم نتیجه بگیریم که جوک‌ها، تنها نشان‌دهنده روحیه بذله‌گوی یک ملت نیستند، بلکه چیزهایی در مورد زندگی اجتماعی به ما می‌گویند. جوک‌ها یکی از راه‌هاییست که به وسیله آن جامعه خود را بازمی‌شناسد و بازگو می‌کند.

علاوه بر این، مناسبت‌هایی که منجر به موجی از جوک‌ها و لطیفه‌ها می‌شود، را باید شکافی در فضای نمادین تعبیر کنیم. ژیزک می‌گوید اگر چیزی تروماتیک یا حتی مملو از لذت باشد، هماهنگی واقعیت ما را به هم می‌زند و ما مجبوریم آن را تبدیل به داستانی نمادین کنیم؛ این داستان‌ها چیزی جدا از واقعیت نیست، بلکه اگر از واقعیت همین داستان‌های نمادین را برداریم خود واقعیت را از دست می‌دهیم. بنابراین یک مناسبت تازه و یک اتفاق جدید، چنین نقشی را ایفاء می‌کند و جوک‌ها و لطیفه‌ها شکلی از همین نمادین‌سازی به حساب می‌آید. در روانکاوی لکان^۲، تروما یا روان‌ضربه حاصل برخورد با محرکی بیرونی و ناتوانی سوژه در فهم این تحریکات و تفوق بر آنهاست. زخمی روانی که در ناخودآگاه باقی می‌ماند و دوباره ظاهر می‌شود. در واقع نمادینه کردن تروما یعنی اینکه چگونه در عالم روانی فرد ادغام و تأثیر برآشوبنده آن زائل شود. وقتی جوک‌ها ابزار این نمادین‌سازی قرار می‌گیرند، همان مکانیسم که پیش‌تر گفته شد فعال می‌شود و ناخودآگاه جمعی خود را بیشتر نشان می‌دهد.

به لحاظ محتوایی باید توجه داشت که این پیام‌های طنزآمیز نه تنها ترکیبی ساده از عقایدی هماهنگ نیست، بلکه در اینجا با ترکیبی پیچیده از عقاید بعضاً متضاد روبرویم. این وجه از محتوای پیام‌ها به‌خصوص در مورد جوک‌های مناسبتی خود را نشان می‌دهد. انفجاری از پیام‌ها که مواضع متناقض را در خود حمل می‌کند. در جوک‌های توافق هسته‌ای هم وطن‌پرستی خام و مبتذل را شاهد هستیم و هم تحقیر کالاهای ملی، هم شیفتگی به جهان خارج و هم تحقیر بیگانه و تعبیر آن‌ها به دشمن، هم خوش‌بینی و هم تلاش برای رفع خوش‌بینی‌ها. در خلال بازگویی این‌ها یک بار همه آن چیزها که جهان ما را می‌سازد دوره می‌کنیم: به تاریخ‌مان اشاره می‌کنیم و آن را به رخ می‌کشیم، کالاهای بی‌کیفیت‌مان را اسم می‌بریم، برخی عناصر فرهنگی خودمان را مطرح می‌کنیم، مرزمان را با بیگانه ترسیم می‌کنیم، آرزوهایمان را دوره می‌کنیم، کمبودها و فقدان‌ها و نداشته‌هایمان را بیان می‌کنیم، سیاست‌ها و راهبردهای غلط کلان را زیر سؤال می‌بریم و غیره.

¹ Slavoj Žižek

² Jacques Lacan



یکی از مهم‌ترین مضامین جوک‌های توافقی هسته‌ای مربوط به «زندگی پس از تحریم» می‌شود. در این جوک‌ها، زندگی پس از تحریم به طور کلی متفاوت از زندگی در تحریم ترسیم می‌شود.^۱ در اینجا باز همان مکانیسم خود را نشان می‌دهد و همه چیزهای آزاددهنده و همه مشکلات اجتماعی خود را در قالب خوش‌بینی به زندگی پس از تحریم بازگو می‌کند. در زندگی پس از تحریم، مشکلات حل می‌شود،^۲ گرانی‌ها تمام می‌شود،^۳ و محدودیت‌ها رفع می‌شود.^۴

هم‌زمان با بیان این خوش‌بینی‌ها (که در واقع گلایه‌ای از مشکلات موجود است)، جوک‌های دیگری هم قابل توجه است که مضمون آنها رفع همه این خوش‌بینی‌هاست. این جوک‌ها به طور کلی نقدی بر سیاست‌های کلان (از جمله کمک مالی به کشورهای دیگر)،^۵ انتقاد از فساد داخلی،^۶ عدم تأثیر جدی بر وضع زندگی مردم،^۷ و افسوس بر فرصت‌های از دست رفته^۸ است.

^۱ "حالا بعد این توافقی گروه ۵+۱ چی میشه؟ / اصلاً زندگی بدون تحریم چه جوریه؟ / کسی بلده؟؟ / آبرومون نره بخندن بهمون"

^۲ "احساس می‌کنم از وقتی توافقی شده سرعت نت خیلی خوب شده، هوا خنک‌تر شده، پوستم صاف‌تر شده و موهام کمتر میریزه"

^۳ "میگن از فردا دیگه بنزین میشه لیتری ۵۰۰ ریال، اونم عمراً اگه ظریف بذاره حساب کنی"؛ "بیست میلیون جمع کرده بودم پراید بخرم حالا با این توافقی اخیر موندم پورشه بخرم یا مازراتی"؛ "امروز ۱۰۰۰۰ دادم به نونوایی میگم یه بربری بده میگه: اومدی نونوایی رو بخری؟! مگه خبر نداری تحریم‌ها را برداشتند"؛ "رفتم ماست خریدم بقیشو پراید داد بهم / چه می‌کنه این توافقی"

^۴ "از نیروی انتظامی زنگ زدند برای تنظیم رایگان دیش"

^۵ "شانس نداریم که، حالا که داره رابطمون با آمریکا خوب میشه؛ اقتصادشون تعطیل میشه! هیچی دیگه...!!! از فردا باید خرج مردم مظلوم آمریکا رو هم بدیم!"

^۶ "از قدرتهای جهانی خواهش می‌کنیم اون صد میلیارد دلار بلوکه شده رو پیش خودتون نگه دارند، اونجا جاش امن تره"

^۷ "بعضیا همچین اخباره توافقی دنبال می‌کنن انگار تمام داراییشون تو بانکای سوییس بلوکه شده"

^۸ "شاید دلار دوباره ۸۰۰ تومان شود، بنزین ۱۰۰ تومان / اما من دوباره ۲۰ ساله نخواهم شد"



جوک‌های توافق، فرصت خوبی برای تمرین ملی‌گرایی، تقویت احساس همبستگی ملی، و (به شکل مبتذل) تلاش برای رفع همه ناکامی‌هایی است که به عنوان یک کشور در عرصه جهانی با آنها روبرویم. در اینجا ملی‌گرایی شکلی سطحی به خود می‌گیرد؛ تمسخر می‌شود^۱ و توأمان در وجود ما مستحکم‌تر می‌شود؛ و اساساً از طریق همین تمسخرهاست که تحکیم می‌شود. ملی‌گرایی‌ای که همچون یک منبع قدرت عمل می‌کند و به مثابه مهم‌ترین مانع در برابر احساس تحقیر ما عمل می‌کند. ملی‌گرایی در اینجا همچون ذخیره‌ای از عناصر فرهنگی و تاریخی عمل می‌کند که هر لحظه می‌توانیم در آن دست فرو ببریم و چیزی را بیرون بکشیم تا هم خودمان را بالا ببریم و هم بر سر غیر خود بزنیم.

در این جوک‌ها هم بر قدرت و شجاعت ایرانی‌ها تأکید می‌شود^۲، هم طرف‌های مقابل تحقیر می‌شوند^۳، هم از ناراحتی دشمنان شناخته شده ایران^۴ ابراز خوشحالی می‌شود، و هم از مقصّران داخلی تحریم‌ها (دولت قبلی) به نوعی انتقام گرفته می‌شود^۵. جوک‌هایی که درباره دولت قبلی تولید می‌شود شایان توجه بیشتری است. دولتی که به نوعی نتیجه رأی خود ماست اما به شکلی تراژیک همچون هجومی بر روح و روان ما بود. هجومی که باید به شکلی نمادین از پس رفع آن برآیم. از این‌رو در هر مناسبتی بخشی از پیام‌های تولید شده به آن دولت برمی‌گردد و در این مورد هم این اتفاق افتاد. دولتی که نمی‌خواهیم سهم خودمان در تولید آن را بازشناسیم و تنها سعی می‌کنیم از طریق همین شوخی‌ها بیشترین فاصله را با آن برقرار کنیم.

^۱ «شرکت جی ال ایکس کشور آمریکا را از لیست تحریم‌های خود خارج کرد! / اکنون آمریکایی‌ها هم می‌توانند گوشی خود را راحت از جیب درآورند»؛ «من الان تو آمریکا هستم! / جوانای آمریکایی ریختن تو خیابون سر از پا نمیشناسن میگن اگه تحریم‌ها شکسته بشه / گوشی GLX و پراید تو آمریکا نمایندگی میزنه...! / از خوشحالی سر از پا نمیشناسند...!!!»

^۲ جوک‌های زیادی در مورد جمله معروف دکتر ظریف (هیچ وقت یک ایرانی را تهدید نکنید) تولید شد

^۳ «جهت تقویت تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای بابا پنجعلی هم به تیم مذاکرات ملحق شد! / لازم به ذکر است بابا پنجعلی وظیفه گفتن «الکی میگه» در قبال وعده‌های غربی‌ها و جمله «بخوابونم دهنش» در قبال تهدیدهای آمریکا را بر عهده دارد!

^۴ اسرائیل و نتانیاهو

^۵ «میگن احمدی نژاد الان زده شبکه چهار داره چهارسوی علم تماشا می‌کنه»؛ «خدا پدر ظریف رو بیامرزه / حالا اگه احمدی نژاد بود، الان داشتیم پوتینامونو واکس می‌زدیم فردا صبح بریم جبهه»



اما یکی از مهم‌ترین مضامین جوک‌های توافقی هسته‌ای، شیفتگی بی‌حد و حصر به جهان بیرون، با مصداق مشخص آمریکاست. آمریکا در بیشتر از نیم قرن اخیر در کودتا و استبداد و جنگ و تحریم در حال تجاوز به ایران بوده و ایران نیز در مقابل آمریکاستیزی را یکی از شعارهای رسمی خود قرار داده است. وقتی صحبت از توافق با چنین کشوری پیش می‌آید، تمام توان بذله‌گویی ایرانی به کار می‌آید تا این اتفاق را نمادین کند. اما همه چیز در حد بذله‌باقی نمی‌ماند، بلکه یکی از همان موارد واپس‌زده به شدت خود را نشان می‌دهد^۱. اینجا مشخص می‌شود تا چه حد نسبت به آن دنیای بیرون که همیشه مصداقی از شر تلقی می‌شده شیفتگی وجود دارد، یعنی تا چه حد دوست داریم با آن یکی شویم و همان قدرت را برای خودمان به دست آوریم.

به تعبیر فروید لطیفه راهی برای نمایش افکار واپس‌زده است. بنابراین همان چیزهایی که باعث ناراحتی و اضطراب ماست ما را می‌خنداند. از این‌رو، جوک‌هایی هم که در توافقی هسته‌ای ساخته شد، اگرچه شاد اما غمگین است.

^۱ "خدافظ فلافل / سلام مک دونالد!" "خدافظ عمو قناد / سلام خاله ریحانا!" "هم تاید داریم هم ریکا / عاشقتیم آمریکا / شعار ۲۲ بهمن ۹۴!" "هنوز دارین فارسی حرف می‌زنین؟! / توافقی کردنا! / What do you do?"